

## کی‌رایت در آثار سینمایی اقتباسی

زهرا شاکری

### چکیده:

در جهان ادبیات و هنر، بسیاری از آثار ادبی و هنری می‌توانند الهام بخش آثار دیگر باشند، به گونه‌ای که پدیدآورندگان آثار جدید در ارزش‌های هنری و زیباشناختی اثر پیشین شریک می‌گردند و از تجربیات مولفان قبلی بهره می‌برند. در این میان، آثار سینمایی اقتباسی نیز یکی از تولیداتی است که بر مبنای گسترده‌ای از تعاملات هنری با آثار ادبی و هنری که در گذشته خلق شده به منصفانه ظهور می‌رسند. با وجود این، اگرچه آثار اقتباسی به عنوان یکی از گونه‌های مورد علاقه فیلمسازان و تماشاگران سینما شناخته می‌شوند اما اقتباس و نسخه برداری از اثر دیگران یکی از حقوق انحصاری مولفان و هنرمندان تلقی می‌گردد. بنابراین فیلمسازان علاقه مند به حوزه آثار اقتباسی نیازمند کسب اجازه برای بهره برداری از اثر پیشین هستند یا باید عناصری را اقتباس و نسخه برداری نمایند که در قلمرو حقوق انحصاری نباشد. مقاله اخیر در صدد آن است که ضمن روش تحلیلی-توصیفی به مطالعه چالش‌های حقوقی ناشی از اقتباس و نسخه برداری از آثار ادبی و هنری برای تولید فیلم‌های سینمایی بپردازد و سرانجام نتیجه‌گیری می‌نماید که آثار سینمایی اقتباسی فی‌نفسه می‌توانند دارای ارزش‌های یک اثر اصیل باشند و از سویی فیلمسازان در چارچوب دکترین‌هایی مانند استفاده‌ی منصفانه، آزمون سه گام و ... می‌توانند به اقتباس یا نسخه برداری از اثر دیگری بپردازند.

**واژگان کلیدی:** آثار سینمایی اقتباسی، حقوق مالکیت ادبی و هنری، حق اقتباس، انحصار، نقض حق،

مولف.

## مقدمه

حقوق مالکیت ادبی و هنری قلمرویی از تعاملات مولفان و هنرمندانی است که هنر و اندیشه خود را به پیشگاه خردورز سایر علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر عرضه می‌نماید. در حقیقت، حقوق مالکیت ادبی و هنری بستری را فراهم می‌آورد که گروهی خلق نمایند و گروهی از آن بهره‌مند گردند و سرانجام گروه دریافت‌کننده اثر قادر شوند آثار دیگری تولید نمایند. این عرصه محیطی برای تبادل فکر، دانش و فرهنگ است و منجر به تعالی علمی و رشد اندیشه ورزی در این رابطه می‌گردد. استفاده از تجربیات سایر پدیدآورندگان می‌تواند مسیر تولید ادبیات و هنر را هموار نماید و به یاری مولفان جوان‌تر و کم‌تجربه بشتابد بویژه آنکه بعضی از آثار از جلوه‌ی روشنگرانه و هنرمندانه‌ی منحصر به فردی برخوردار هستند که می‌تواند الهام بخش سایرین باشد. در جهان جادویی سینما، استفاده از آثار ادبی و هنری می‌تواند به تولید آثار زیباتر و تاثیرگذار کمک نماید، چه تماشاگر فیلم می‌تواند با خاطره‌های قبلی از یک رمان یا مجموعه داستان‌های دل‌انگیز و جذاب به مشاهده فیلم راغب‌تر باشد و دستاوردهای جدیدی را از یک انتقال مفاهیم، ایده و موضوع درک کند.

بی‌تردید آثار سینمایی اقتباسی یکی از حوزه‌های پر مخاطب سینمایی است اما صرفنظر از جنبه‌های زیبا شناختی و جذابیت‌های خاصی که برای علاقه‌مندان و منتقدان فراهم می‌آورد، از دیدگاه حقوقی قابل بررسی است چه پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری از حق انحصاری در خصوص نسخه برداری و اقتباس از اثر خود برخوردار هستند و تولید اثر اقتباسی از اثر پیشین می‌تواند با حق انحصاری مذکور در تعارض قرار گیرد و سرانجام به نقض حق مولف اول منجر شود.

این مقاله تلاش می‌نماید ضمن تحلیل مفهوم اقتباس سینمایی، زوایای امکان نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری را واکاوی نماید و به بررسی دفاعیات رایج تولیدکنندگان آثار اقتباسی بنشیند و سرانجام پیشنهادات مقتضی را ارائه کند. فرضیه مقاله اخیر آن است که اثر سینمایی اقتباسی به کسب اجازه

پدیدآورنده اثر اصلی نیاز دارد اما در این میان، اثر اقتباسی از استقلال برخوردار می‌باشد لذا تبیین و تحلیل مرز تجاوز و عدم تجاوز در این آثار بسیار مهم و اساسی است. به طور مثال مشابهت ایده کلی دو اثر تجاوز تلقی نمی‌شود اما مشابهت در دیالوگ‌های که در یک موقعیت زمانی و مکانی یا احساسی ارائه می‌شود می‌تواند زمینه‌های تجاوز را فراهم نماید. بنابراین جهت جلوگیری از نقض حق ضروری است از آغاز بهره‌برداری از اثر دیگری، موافقت پدیدآورنده اصلی اخذ گردد. سرانجام آنکه سوال اصلی این مقاله آن است که مرز تجاوز و عدم تجاوز در آثار سینمایی اقتباسی کجاست؟ و فیلم‌سازان اقتباسی چگونه می‌توانند در سایه اصالت اثر خود به دفاع بپردازند؟

مقاله اخیر تلاش می‌نماید با اتخاذ روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و ترجمه‌ای و در مواردی بررسی‌های میدانی به مطالعه موضوع بپردازد. در این راستا مقاله در گفتار اول جایگاه قانونی اقتباس را بررسی، در گفتار دوم، واکاوی اثر اقتباسی را از منظر اصول نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری، در گفتار سوم، وجوه استقلال و اصالت اثر اقتباسی و سرانجام در گفتار پایانی به مطالعه دعاوی مطروحه در خصوص آثار سینمایی اقتباسی و تحلیل دفاعیات و آرا صادره می‌پردازد.

### گفتار نخست- سیمای قانونی آثار سینمایی اقتباسی

فراز و نشیب تاریخ سینما تکراری از رمان‌ها و نمایشنامه‌هایی است که به اثر سینمایی مبدل شده است. شاید گزاره نباشد که عمده فیلم‌های ساخته شده مبتنی بر یک کتاب داستانی است. اما آنچه از اهمیت برخوردار می‌باشد آن است که تهیه فیلم از یک اثر ادبی مانند رمان یکی از فرصت‌های قانونی است که در اختیار مولف آن قرار دارد. می‌توان گفت که آثار پرفروش یا مشهور می‌توانند از نیروی یک علامت تجاری برخوردار باشد (Barbo, 1998, p.310) که با مطرح شدن نام آنها بر فروش متعاقب فیلمی که براساس آن ساخته می‌شود تاثیر گذار باشد. از این رو است که هالیوود تمایل دارد جهت

ساخت نسخه سینمایی آثار ادبی برجسته و پرفروش سرمایه گذاری های کلانی را انجام دهد. آنچه که از دیدگاه حقوقی قابل اهمیت می باشد آن است که تهیه فیلمهای سینمایی و تلویزیونی و مانند آن، استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی و به کار بردن اثر در فراهم کردن یا پدید آوردن اثرهای دیگری از زمره حقوق مقرر در ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. به عبارت دیگر، هر اثری که در یک محیط مثلا کتاب خلق می شود حمایت حقوق مالکیت ادبی و هنری در سایر محیط ها مانند اجرای روی صحنه نمایش را نیز به خود اختصاص میدهد. از این رو در قوانین موضوعه ایران، پدیدآورنده از مصادیق متفاوتی از حق برخوردار می گردد و یکی از حقوق انحصاری وی تهیه فیلم سینمایی از اثر است.

بنابراین احراز مرز قانونی بودن استفاده از اثر دیگری و ارتکاب نقض حق بسیار پیچیده و فنی است چه هر لحظه این امکان وجود دارد که پدیدآورنده اثر سینمایی مرتکب تجاوز به حقوق انحصاری صاحب رمان یا نمایشنامه گردد. از این رو است که کسب موافقت مولف اثر اصلی میتواند مشکلات را به حداقل برساند. با این حال، دادگاهها همواره در چالشی اساسی در رویاروی با آثار سینمایی اقتباسی به سر می برند و گروه های مختلفی از کارشناسان حقوقی و هنری باید به مطالعه این موضوع بپردازند. بنابراین، پرسش اصلی آن است که کدامیک از آثار اقتباسی می تواند در قلمرو تجاوز به حق

---

For Example: The novel from John Grisham or Tom Clancy.

<sup>۲</sup> ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مولفان: پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد و از جمله موارد زیر به غیر واگذار نماید:

- ۱- تهیه فیلمهای سینمایی و تلویزیونی و مانند آن.
- ۲- نمایش صحنه ای مانند تئاتر و باله و نمایشهای دیگر.
- ۳- ضبط تصویری یا صوتی اثر بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر.
- ۴- پخش از رادیو و تلویزیون و وسائل دیگر.
- ۵- ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کلیشه و قالب ریزی و مانند آن.
- ۶- استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی.
- ۷- به کار بردن اثر در فراهم کردن یا پدید آوردن اثرهای دیگری که در ماده دوم این قانون درج شده است.

پدیدآورنده اثر اصلی قرار گیرند؟ و جایگاه حقوق مالکیت ادبی و هنری در آثار سینمایی اقتباسی چگونه تحلیل می‌شود؟

مطابق با بند ۴ ماده ۱ پیش نویس قانون جدید «اثر اشتقاقی» اثری مرکب یا برگرفته از یک یا چند اثر موجود است؛ از قبیل مجموعه گزیده آثار، گلچین اشعار، جنگ ادبی، آثار مبتنی بر فرهنگ عامه، آثار اقتباسی، اثر ترجمه ای، تلخیص، چکیده، شرح اثر. بنابراین اثر سینمایی اقتباسی، انتقال و وضعیت یک اثر مکتوب یا شفاهی به اثری سینمایی است و چنین اثری می‌تواند براساس یک رمان، نمایشنامه و ... ایجاد گردد.

با عنایت به ماده ۳ پیش نویس قانون، حمایت این قانون همچنین شامل اثر اشتقاقی مرکب و پایگاه داده به شرط داشتن اصالت از حیث چیدمان و گزینش و رعایت حقوق پدیدآورنده یا پدیدآورندگان اثر مبنای می‌شود و همچنین بنا به صراحت ماده ۵ آن پیش نویس، آثار به صرف داشتن اصالت، بدون در نظر گرفتن غایت، کیفیت، نوع، شیوه و شکل آفرینش مورد حمایت قرار می‌گیرند. (ماده ۴۶: در خصوص اثر اشتقاقی، حقوق مادی اثر با رعایت حقوق پدیدآورنده اثر مبنای، متعلق به پدیدآورنده اثر اشتقاقی است.) بنابراین در نظام حقوقی ایران، اثر سینمایی اقتباسی می‌تواند از حقوق مالکیت ادبی و هنری مستقلی برخوردار باشد مشروط به آنکه حقوق پدیدآورنده اصلی رعایت گردد.

به موجب بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون برن، اقتباس، بدون آنکه به حق پدید آورنده آثار ادبی و هنری اثر اصلی خدشه ای وارد شود، همچون آثار اصیل تحت حمایت قرار می‌گیرد. همچنین به موجب ماده ۱۲ آن کنوانسیون، پدیدآورندگان آثار ادبی یا هنری از حق انحصاری اجازه اقتباس، تنظیم و سایر تبدیل‌های آثارشان برخوردار می‌باشند. در خصوص اقتباس سینمایی نیز ماده ۱۴ به صورت مستقل تاکید می‌نماید که پدیدآورنده از حق انحصاری اقتباس و تکثیر آثار و توزیع آثار اقتباسی یا تکثیری

---

Authors of literary or artistic works shall enjoy the exclusive right of authorizing adaptations, arrangements and other alterations of their works.

برخوردار بوده و با عنایت به بند ۲ ماده اخیر اقتباس‌های سینمایی بدون ایراد لطمه به حقوق پدید آورندگان آنها منوط به اجازه پدیدآورندگان اثر اصلی است.<sup>۴</sup> این مقررات در قوانین ملی کشورها نیز انعکاس یافته است چنانچه آثار اقتباسی به مثابه خلاقیت فکری جدید حمایت می‌شود (ماده (XI) ۷ قانون کپی رایت برزیل) یا اثر اقتباسی از یک اثر موجود نشأت می‌گیرد و به جهت ترتیب و انتخاب محتویش مانند اثر اصیل از حمایت برخوردار است. (ماده (۶) ۱۳۸ قانون مالکیت فکری مصر). این آثار بدون لطمه به آثار قبلی حمایت می‌شوند و حتی عنوان اثر در صورتی که ابتکاری باشد از حمایت برخوردار است (ماده (۱۳) ۱۴۰ قانون مالکیت فکری مصر).

موضوع ماهیت دوگانه آثار سینمایی (اصلی یا اقتباسی) در نسخه برلین ۱۹۰۸ کنوانسیون برن مطرح شد و در چشم انداز قانونگذاران آن، اثر اقتباسی خود به مثابه یک اثر اصیل از حمایت برخوردار می‌شود و این بدان معناست که اثر اقتباسی می‌تواند عناصری از اصالت را با خود داشته و بر اثر قبلی بیفزاید و پدیدآورنده آن از حقوق انحصاری مقرر در کنوانسیون بهره‌مند می‌گردد اما به موازات وضع چنین حقی، پدیدآورنده اثر اصلی نیز از حق برخوردار است چه اساساً حق اقتباس در قلمرو انحصاری وی قرار دارد. (در بعضی از قوانین اشعار میدارد مولف اثر پیشین به عنوان پدیدآورنده مشترک اثر جدید فرض می‌شود) (ماده (۱) ۱۷۷ قانون مالکیت فکری مصر).

لذا همواره این پرسش مطرح است که اگر اقتباسی بدون اخذ اجازه پدیدآورنده اثر اصلی به وقوع بپیوندد، اثر اقتباسی از حمایت قانونی برخوردار می‌شود؟ به عبارت دیگر، آیا اشخاصی غیر از مولف یا اشخاص مجاز از سوی وی می‌تواند آزادانه از اثر اقتباسی استفاده نمایند یا خیر؟

---

<sup>۴</sup>(1) Authors of literary or artistic works shall have the exclusive right of authorizing:

(i) the cinematographic adaptation and reproduction of these works, and the distribution of the works thus adapted or reproduced;

(ii) the public performance and communication to the public by wire of the works thus adapted or reproduced.

(2) The adaptation into any other artistic form of a cinematographic production derived from literary or artistic works shall, without prejudice to the authorization of the author of the cinematographic production, remain subject to the authorization of the authors of the original works.

(3) The provisions of Article 13(1) shall not apply.

بی تردید اثر اقتباسی که بدون اجازه پدیدآورنده اثر اصلی خلق می شود، یک نقض آشکار حقوق مالکیت ادبی و هنری را رقم خواهد زد اما علاوه بر این چنین تقصیری که از عنوان مجرمانه نیز برخوردار می شود، این امر توجیه کننده استفاده آزاد از اثر اقتباسی نیست و ممکن است آنچه از اثر اقتباسی به یغما می رود بسیار بیشتر از آن بهره ای باشد که این اثر از اثر اصلی برده است<sup>۵</sup> و لذا چنین اثری می تواند از ارزش هایی بهره مند باشد که آن را به اثری خاص و منحصر به فرد تبدیل نماید. این تفسیر مطابق با اسناد کنفرانس دیپلماتیک برن است چه با وجود آنکه نظر قانونگذاران بر این بود که ترجمه های قانونی از حمایت برخوردار هستند اما در نسخه برلین کنوانسیون اصطلاح "قانونی" حذف گردید.<sup>۶</sup> از این رو، اکنون این نکته قابل تامل می باشد که اندیشه حمایت از اثر اقتباسی (یا هر نوع تبدیل اثر) فاقد موافقت مولف اصلی نضج گرفته است.

### گفتار دوم - اثر سینمایی اقتباسی در آینه اصول نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری

حقوق مالکیت ادبی و هنری به مولفان و هنرمندان یک اثر ادبی یا هنری اصیل حقوق انحصاری اعطا می نماید. لذا اصالت شرط برخورداری از حمایت بوده و آن یکی از اصول نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری به شمار می آید.

اصیل بودن به معنای آن است که اثر تجسم شخصیت مولف با شدیدا نشان دهنده مهارت و قضاوت مولف باشد، به عبارت دیگر اثر باید توسط شخص پدیدآورنده خلق شده باشد (زرکلام، ۱۳۸۸، ص ۴۵). بنابراین، اثر سینمایی باید از اصالت برخوردار بوده و این نتیجه را حاصل نماید که اثر قابل انتساب به مولف خود است؛ یعنی تبلوری از تلاش و مهارت وی برای خلق اثر. اما در خصوص آثار سینمایی

---

<sup>۵</sup>World Intellectual Property Organization, Guide to the Copyright and Related Right Treaties Administered by WIPO and Glossary of Copyright and Related Right Terms, Genève, 2003, p.28.

<sup>۶</sup>Lawful.

<sup>۷</sup>Acts de la Conference Berlin 1908, International Office, Berne, 1909, p.232.

اقتباسی این تردید وجود دارد که آیا آن از اصالت برخوردار هستند یا خیر؟ مهم‌ترین اصل در یک اقتباس سینمایی از آثار ادبی یا هنری دیگر، آداپتاسیون یا تبدیل به شرایط فرهنگی محل اقتباس است که در مورد سینمای ایران، ایرانیزه کردن یا ایجاد تغییراتی متناسب با فضای فرهنگی و اجتماعی ایران موجب می‌گردد که فیلم ساز اقتباسی با عنایت به تفاوت‌های فرهنگی، خلاقیت‌هایی را در نوع پوشش، گویش، انتخاب مواد غذایی، شوخی‌ها و ... انجام دهد. لذا این امر می‌تواند اثر اقتباسی را به اثری اصیل تبدیل نماید. به طور مثال فیلم "اینجا بدون من" اثر بهرام توکلی که اقتباسی از نمایشنامه "باغ وحش شیشه‌ای" تنسی ویلیامز است با اعمال تغییراتی مهم، اثری است که از اصالت برخوردار می‌گردد مثلاً دغدغه "آماندا" در نمایشنامه در خصوص الکی نبودن دامادش به نگرانی مادر پیرامون سیگاری بودن رضا تغییر یافته، یا روزی که رضا به خانه دو ستش می‌رود، مادر برای بلند قد نشان دادن یلدا، به زور کفش پاشنه بلند پایش می‌کند که در نمایشنامه اصلی این اتفاق به نوعی دیگر و برای پنهان کردن نقص دیگری در فیزیک بدن لورا رخ می‌دهد، یا به طور مثال آشنایی یلدا و رضا که به ضبط یک کاست باز می‌گردد که در نمایشنامه این آشنایی میان لورا و جیم به حضور آنها در دبیرستان بولورز و همکلاسی بودنشان مربوط است و یا نمونه دیگر نوع شخصیت‌پردازی کاراکتر آماندا (مادر) است که بهرام توکلی آن را به مادری ایرانی با دل‌نگرانی‌های ویژه خود تبدیل کرده است.

یکی از اصول دیگر حقوق مالکیت ادبی و هنری آن است که این نظام از ایده یا وقایع موجود در اثر حمایت نمی‌نماید بلکه از تجلی ایده حمایت می‌کند (حمایت از ظرف نه مضمون) بنابراین نسخه برداری از ایده اثر دیگری مشمول حمایت نظام حقوقی نیست. به طور مثال در یکی از دعاوی، دادرس معتقد است که دو اثر در نزاع دو پدر ایرلندی و یهودی، ازدواج فرزندان‌شان، تولد نوه‌ها و مصالحه پایانی یکسان هستند و این به معنای تشابه در ایده است نه ظهور ایده (Nichols, 1930, 45)

(F.2d 119 و ایده‌ها از حمایت برخوردار نیستند.)



بنابراین، تم یا طرح دو اثر قابل حمایت نیست اما با وجود این، مواردی نیز وجود دارد که دادگاه از تم یا موضوع یا طرح اثر حمایت می‌کند و در مواردی که حوادث دنباله دار به موقعیت داستان منجر شود و علت و معلول یکسانی وجود داشته باشد نقض روی داده است- (Nimmer, 1950, pp. 1130-1131). در این موارد می‌توان گفت طرح اصلی از آن جهت که منجر به روی دادن خلاقیت‌های منحصر به فرد در فیلم می‌شود از حمایت برخوردار است و لذا شاید بتوان گفت معلول ویژه ایده بوده که پندار حمایت از ایده را مطرح نموده است.

### گفتار سوم - اثر سینمایی اقتباسی به مثابه اثری مستقل و اصیل

اکنون چهار دیدگاه در خصوص اثر اقتباسی وجود دارد که به اثر سینمایی اقتباسی همانند یک اثر مستقل می‌نگردد و این بدان معناست که چنین اثری از هویتی جداگانه نسبت به اثر اصلی برخوردار است :

در چشم انداز دیدگاه اصول‌گرا (Constructivist)، هر زمان که یک اثر تفسیر می‌شود، اثر جدیدی خلق می‌شود لذا هر تفسیر دارای درجه‌ای از استقلال بوده و از هویت مستقلی برخوردار است. به طور کلی هر اثر یک مجموعه ثابت از ایده‌ها، تصاویر و .. نیست و در ذهن هر مخاطب به گونه‌ای جداگانه تفسیر می‌شود. در این دیدگاه تمییز ایده از ظهور یک تفسیر است. طرح کلی رومئو و ژولیت از یک سو و تبدیل آن به داستانی دیگر به معنای تفسیر و هویت بخشی متفاوت به یک موضوع است. به طور مثال در فیلم "West Side Story" ماریا عضو گروه متخاصم نبوده و حتی از دشمنی آگاه نیست. پسر نیز از گروه خارج می‌شود. در حالیکه در رومئو و ژولیت از ابتدا مسئله کینه قدیمی میان دو خانواده مطرح است. بنابراین در این دیدگاه امکان اقتباس و وابسته بودن اثر دوم به اثر اول منتفی است زیرا اثر از یک ماهیت عینی (objective) برخوردار نمی‌باشد و در قلمرو اذهان به صورهای متفاوتی تحلیل می‌گردد. (ماهیت ذهنی دارد)

در دیدگاه نقد اقتباس (adaptation skeptics) از وحدت شکل و محتوی (form and content) حمایت می‌شود چه نظام نشانه‌شناسی متن و فیلم‌سازگار هستند. یکی از مدافعان اصلی این دیدگاه، جرج بلو استون (George Bluestone) بر این باور است که تفاوت دو محیط اثر ادبی و فیلم مبتنی بر این حقیقت می‌باشد که یکی زبانی و دیگر بصری است و ناگزیر برای گنجاندن متن در فیلم تغییرات رخ میدهد، به عبارت دیگر محتوی فکری شامل درام‌ها و تخیل موجود در متن رمان نمی‌تواند تماماً و جز به جز به فیلم تبدیل شود (Bluestone, 1968, p. viii). بنابراین فیلم می‌تواند مخاطب را متوجه افکار حاکم بر رمان نماید اما نمی‌تواند مستقیماً آن را نشان دهد. علاوه بر آن، کتاب تمرکز اصلی خود را بر افکار درونی، شخصیت‌ها و شناخت خصیصه‌های روانی قرار می‌دهد اما فیلم بیشتر به افعال خارجی و واکنش‌های اجتماعی می‌پردازد. حتی انتقال شخصیت‌ها از رمان به فیلم روایتگر همان شخصیت موجود در رمان نخواهد بود چه محیط دیداری متناسب با نیروی روایی کتاب نیست. (Bluestone, 1968, at 48) لذا تنها شکل روایت (narrative form) است که فیلم را رقم‌میزند و آن یک درک بصری از داستان خواهد بود.

از سویی مدل تولید و تجارت حاکم بر فیلم و کتاب متفاوت است لذا در حالیکه فیلم به صورت کاری مشترک و با سرمایه‌گذاری‌های کلان و بر اساس قواعد علم اقتصاد و توجه به نیاز مخاطبان تولید می‌شود، کتاب معمولاً به صورت تک‌مولف و بدون نیاز به سرمایه‌گذاری‌های هنگفت یا برنامه‌ریزی‌های پیچیده تولید می‌شود.

به طور خلاصه باید گفت که بلو استون معتقد است که اثر سینمایی اقتباسی یک جهش یا تبدیل اجتناب‌ناپذیر خواهد بود، تبدیلی که تاویل و تفسیری از یک رمان است و رمان تنها یک ماده خام اولیه برای فیلم‌ساز به شمار می‌آید و شخصیت‌ها و حوادث با جدا شدن از خاستگاه خود راهی نو را در پی می‌گیرند.

به این ترتیب، در دیدگاه نظریه اخیر، اثری جدید با حقوق مالکیت ادبی و هنری جدید به منصفه ظهور می‌رسد. به طور مثال تلخیص دیالوگها، تغییر وضعیت سیاسی حاکم یا تلطیف پایان ناخوشایند داستان در فیلم می‌تواند روایتگر اثری جدید باشد، در این میان اگرچه شخصیتها و بسیاری از حوادث در فیلم تکرار می‌شود اما عناصر مهم کتاب در فیلم نیست چه آنها با محیط فیلم ناسازگار خواهند بود یا حتی می‌توانند معانی و بیان اثر سینمایی را تغییر دهند. به طور مثال، فیلم ناخدا خورشید روایتی نو از رمان "دا شتن و ندا شتن" ارزست همینگوی ارائه می‌نماید، تغییر ابتکاری در شخصیت اصلی داستان و تعریف شرایطی متناسب با اقلیم بومی جنوب ایران، اثری بدیع را خلق می‌نماید که در چشم انداز مخاطبان از داستان همینگوی مستقل به نظر می‌آید.

در دیدگاه ساختار گرا (structuralism) استدلال می‌شود که عناصر ساختاری روایت (داستان) کتاب می‌تواند به طور موفقیت آمیزی به روی صحنه رود. یکی از مدافعان این نظریه مک فارلن (McFarlane) است که به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های کتاب و فیلم می‌پردازد (McFarlane, 1996, at 195). در نظریه وی، روایت، مجموعه‌ای از حوادث و شخصیت‌های وابسته است که بر مسیر داستان و حوادث تأثیر می‌گذارند و عناصری از رمان می‌تواند به فیلم انتقال یابد یا اقتباس شود. به عبارت دیگر، این دیدگاه، اقتباس جزئی از رمان یا کتاب داستانی را می‌پذیرد.

در این نظریه تأکید می‌گردد که روایت مشتمل بر توابع اصلی از افعال و وقایع است که به صورت افقی داستان را بیان می‌نماید. در این قسمت افعالی وجود دارند که جهت توسعه داستان می‌توان تغییراتی در آنها اعمال نمود و ارتباط بخشی میان این توابع می‌تواند داستان را رقم زند. مثال تغییر یک پایان غم‌انگیز به شاد از مصادیق تغییر در توابع به شمار می‌آید. علاوه بر این توابع، توابع دیگری نیز هستند که شامل افعال کوچکی می‌شوند که نقش مکمل را برای توابع دیگر ایفای نمایند، مانند قرار دادن یک میز برای صرف غذا که فرصتی را جهت کمک به داستان ارائه می‌دهد. در حقیقت بعضی

توابع وابسته به زبان ظهور شان نیستند و از محیطی به محیط دیگر انتقال می‌یابند. گروهی از توابع مانند سن، جنس یا حرفه نیز که جنبه اطلاعات صرف دارند، عیناً انعکاس می‌یابد. سرانجام آنکه دیدگاه چهارم یا معادل شناختی (cognitive equivalency) هنوز در حال بررسی است. این دیدگاه بیان می‌کند که ارتباطی بین تصویر و واژگان وجود دارد. شناخت دو تصویر ذهنی و بصری یک رویکرد معکوس از بی‌حسی تا برانگیخته شدن احساس را نشان می‌دهد و رمان و فیلم از نشانه‌های نزدیک یا مشابهی بهره می‌برند<sup>۱</sup> و یا به عبارت دیگر معادل یک دیگر تلقی می‌شوند یعنی فیلم معادل بصری همان واژگان خواهد بود. این دیدگاه در شرایطی نظریه خود را تبیین می‌نماید که به جدایی فرم و محتوی نمی‌پردازد. بنابراین، در این دیدگاه تفاوت دو تصویر اندک است و شاید بتوان نتیجه گرفت که اقتباس عملاً مفهومی ندارد چه فیلم همان داستان و داستان همان فیلم است.

در خاتمه این گفتار می‌توان نتیجه گرفت که در دو دیدگاه نخست اساساً مسئله اقتباس سینمایی منتفی می‌شود اما در دیدگاه سوم، اقتباسی موردی پذیرفته شده است. همچنین در دیدگاه چهارم نیز که بیشتر جنبه نظری دارد، با معادل سازی رمان و فیلم، به اقتباس پرداخته نمی‌شود. بنابراین، در نظریات مذکور آنچه مهم ارزیابی می‌شود آن است که اثر اقتباسی از اصالت منحصر به فرد برخوردار بوده و این می‌تواند بر نظام حقوقی تاثیرگذار باشد.

### گفتار چهارم - دعاوی نقض پیرامون آثار سینمایی اقتباسی

دعوی نقض حق آثار ادبی یا هنری توسط فیلم‌های سینمایی معمولاً در شرایطی مطرح می‌شود که بخش قابل توجهی از اثر بدون اجازه صاحب حق مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین در این دعوی ضروری است دو اثر مقایسه شود تا مسئله اقتباس و نسخه برداری از اثر اصلی بررسی شود.

---

See Elliott, Kamilla, Rethinking the Film Novel Debate, Cambridge: Cambridge University Press, 2003.

اکنون طرح دعوی نقض در آثار سینمایی موسوم به اقتباسی و جنجال‌های ژورنالیستی ناشی از آن رایج گشته است، به طور مثال، در آوریل ۲۰۰۹ برادران وارنر خطری را در یکی از روزنامه‌های هندی منتشر کردند که به موجب آن اعلام نموده هر کس از فیلمنامه یا خط داستانی فیلم بنجامین باتن استفاده نماید مورد تعقیب قرار خواهد گرفت.<sup>۱</sup> این اخطار از آنجا ناشی می‌شد که شنیده‌ها حاکی از آن بود که قرار است بزودی فیلمی مبتنی بر بنجامین ساخته شود. این اولین مورد از چالش‌های حقوقی آثار اقتباسی در هند نیست. به طور مثال یکی از تهیه‌کنندگان معروف (موسسه قرن بیستم) توانست علیه سازندگان یک فیلم هندی اقامه دعوی نمایند و خسارت قابل توجهی را دریافت نمایند. این چالش در حالی شدت می‌گیرد که اقتباس به صورت تدریجی می‌تواند به تقلیدی از آثار ادبی و هنری برجسته با متوسط تبدیل شود و تولید آثار با کیفیت را کاهش دهد چنانچه کمیته دولتی سینمای هند<sup>۲</sup> به عنوان دستگاه نظارتی بر سینمای آن کشور که یکی از بزرگترین تولیدکنندگان فیلم محسوب می‌شود، در بررسی‌های خود اذعان دارد که بخشی از سینمای این کشور تقلیدی از فیلم‌نامه‌ها و داستانهای فیلم‌های غربی است اما در بخش دیگر سینما، تفکر مستقلی جهت فیلم‌سازی وجود دارد<sup>۳</sup> و این امری است که در آینده اعتبار سینمای ملی را به مخاطره افکنده و موجبات طرح دعوی متعددی را علیه فیلم‌سازان فراهم می‌آورد.

#### ۱-۴- مطالعه تطبیقی سناریو و اثر ادبی

بنابراین نخستین گام آن است که سناریو (نسخه نهایی مورد توجه است) یک فیلم با کتاب (متن رمان یا داستان اصلی) مقایسه می‌شود (Beal Case, 1994, 20 F.3d 454 at 56) و این امر مشتمل

---

D Itzkoff, "Hollywood to Bollywood: Spare 'Benjamin Button'", The New York Times, April 6, 2009 at <[http://www.nytimes.com/2009/04/07/movies/07arts-sparebenjami\\_br.html](http://www.nytimes.com/2009/04/07/movies/07arts-sparebenjami_br.html)> (accessed September 11, 2009).

<sup>۲</sup>Studio Sues Over Bollywood 'Copy', BBC, May 5, 2009 at

<<http://news.bbc.co.uk/2/hi/entertainment/8033669>> (accessed September 11, 2009).

<sup>۳</sup>The government-appointed Indian Cinematograph Committee ("ICC").

Report of the Indian Cinematograph Committee (1928), para 68.

بر دو بخش است: نخست آنکه آیا به اثر پیشین دسترسی وجود داشته یا خیر؟ به عبارت دیگر، فیلم ساز در گذشته اثر ادبی را در اختیار داشته و مطالعه نموده یا در خصوص آن شنیده یا مطالبی را خوانده است، بدیهی است در شرایط توسعه فناوریهای نوین دیجیتال و اینترنت، ادعای عدم دسترسی به آثار برجسته ادبی به سادگی پذیرفته نمی شود اما در صورتی که اثر ادبی از زمره آثار گمنام بوده یا مولف آن شخص یا اشخاص غیر مشهوری باشند، ادعای عدم دسترسی به اثر آنان قابل تامل است. اما چنانچه دسترسی به اثر ادبی اثبات شود، مسئله آن است که آیا اثر دوم از اثر اول اقتباس شده است یا یک اثر مستقل تلقی می شود؟ آیا می توان نتیجه گرفت که اثر دوم اثر اول را نقض نموده است؟ به طور کلی می توان گفت که این ارزیابی توسط ناظر عادی (ordinary observer) صورت می گیرد؛<sup>۲</sup> لذا در مرحله اول بدون مساعدت کارشناس متخصص این ارزیابی از دریچه یک شهروند غیر متخصص صورت می گیرد. البته در این میان بعضی از محاکم بر اخذ نظر کارشناسی تاکید دارند تا ایشان با بررسی های تخصصی به شباهت ها و تفاوت های دو اثر دست یابند. (France Animation, 2011, at 80)

## ۲-۴- ایده های غیر قابل حمایت

در بخش دوم، دادگاه در بررسی حق اقتباس، مطالعه خود را از این نکته آغاز می نماید که ایده یا برداشت آزاد از موضوع اثر اول در قلمرو مجاز قرار دارد و قابل حمایت می باشد یا خیر؟ به طور مثال تکرار ایده ناشی از رمان یک روز خوب (One Fine Day) که مربوط به مردی است که در یک روز محصور شده و وقایع برای وی تکرار می شود در فیلم (Groundhog Day) قابل پذیرش است چه این ایده می تواند در اشکال متفاوتی بیان شود.

---

See *e.g.* Arden v. Columbia Pictures (1995) 908 F.Supp. 1248 (US District Ct, SD New York) at para. 4: "Courts are asked 'whether an average lay observer would recognize the alleged copy as having been appropriated from the copyrighted work.'"

### ۳-۴- مطالعه تفصیلی

در گام بعدی، دو اثر به صورت تفصیلی بررسی می‌گردد، بنابراین، مفهوم و احساس کلی (concept and feel)، موضوع و طرح (theme and plot)، حال و هوای احساسی (mood)، شخصیت‌ها (characters)، فضا (pace)، محیطی که داستان و رویدادها در آن به منصفه ظهور می‌رسد (setting)، حوادث دنباله دار (sequence of events) و ساختار (structure) دو اثر مطالعه می‌شود. (البته باید توجه نمود که این اصطلاحات در نظام حقوقی تعریف نشده است و این امر ارزیابی را دشوار می‌نماید).

برخی از دانشمندان معتقد هستند که استفاده از خط داستان یا موضوع کلی کتاب در فیلم از حقوق مالکیت فکری برخوردار نیست. در این خصوص می‌توان گفت که بسیاری از عناصر اقتباس شده از یک اثر بسیار کلی بوده یا از اصالت برخوردار نیستند.

از طرفی حتی اگر فیلمساز بعضی عناصر قابل حمایت از رمان را وام بگیرد، آن عناصر می‌توانند بسیار بدیهی و بی‌اهمیت باشند (خواه از نظر کمی یا کیفی) و بنابراین نمی‌توان گفت فیلم به داستان شباهت دارد.

اما ممکن است فیلمساز بعضی از عناصر را استفاده نماید که عنصر زیباشناختی یا جوهره اثر را تشکیل دهد و لذا در این جاست که مسئله شباهت دو اثر قابل تامل خواهد بود حتی اگر میزان کمی استفاده بسیار ناچیز باشد. در حقیقت بهره‌گیری از جوهره یا قلب اثر اول می‌تواند این ذهنیت را برای مخاطب فراهم نماید که اثر سینمایی یک اثر اقتباسی است (Barbo, 1998, note 2 at 316-7).  
علاو بر این چندین استدلالی گروه از نویسندگان نگاه منتقدانه‌ای را نسبت به تحلیل‌های قضائی دارند (Barbo, 1998, note 2 at 316-7) چه مفهوم و احساس کلی یک کتاب می‌تواند در قالب عبارت نثر یا نظم به صورت مونولوگ یکی از بازیگران یا ارائه یک گروه از تصاویر یا موسیقی به مخاطب منتقل شود. علاوه بر این، فیلم باید در فرصت محدودی پیام خود را ظاهر نماید و حتی ایجاد تغییرات

اساسی مانند تغییر پایان داستان (تبدیل به یک پایان شاد) یا توسعه شخصیت‌ها یا تغییر در شخصیت‌ها توسط فیلم ساز امری بدیهی است. این دیدگاه نشان می‌دهد که تحقق پدیده اقتباس بسیار نادر است.

یکی از مسائل مهم آن است که استفاده از اثر ادبی یا هنری متعلق به دیگری به نقض حق تکثیر و نسخه برداری پدیدآورنده یا صاحب حق آسیب وارد می‌نماید، حق تکثیر نه فقط با نسخه برداری لغات یک اثر ادبی بلکه با نسخه برداری از تم، حوادث، شخصیت‌ها و ایده نیز نقض می‌شود (Autospin Case, 1995, RPC 683, 697). به عبارت دیگر اثر اصیل و خلاقانه می‌تواند با استفاده از دیالوگ‌های تغییر یافته آن در یک فیلم نقض شود. البته خواهان دعاوی نقض به صرف ادعای شباهت حوادث دو اثر نمی‌تواند در دعاوی پیروز شود چه این امکان وجود دارد که دو اثر از منابع مطالعاتی مشترکی بهره برده باشند (Harman Case, 1967, 1 WLR 723 at 728). در یکی از دعاوی، دادرس تصریح می‌نماید که نسخه برداری از یک اثر می‌تواند با استفاده از لغات اثر ادبی یا با استفاده از لغات خود باشد (Christoffer, 2000, ECDR 487 501) قاضی اسکات اصطلاح نسخه برداری تغییر یافته "altered copying" را به کار می‌برد و آن به معنای نسخه برداری با اصلاحات است. او معتقد است معیار این تغییر شامل ترجمه اثر به زبان دیگر یا درآماتیزه کردن رمان است. در این راستا گستره و ماهیت شباهت‌های دو اثر قابل بررسی است. لذا صرف استفاده از ایده ساده یک اثر احتمالاً نقض کننده نیست بلکه این استفاده باید بخش ماهوی اثر ادبی را تشکیل دهد و متضمن تکرار تم اصلی شامل حوادث و خط کلی داستان است.

در یکی از دعاوی مطروحه در هند، قاضی علی در یکی از دعاوی مطروحه در خصوص آنکه فیلم از خط داستان مشابهی استفاده می‌نماید بیان می‌دارد (Anand Case, 1979, 1 SCR 218):  
(248-9) کپی رایت از ایده صرف حمایت نمی‌نماید بلکه فرم، روش یا تجلی ایده از حمایت برخوردار است و فیلم خواننده، نسخه ماهوی اثر اول نیست. همچنین قاضی اضافه می‌نماید که ایده مرکزی فیلم



قومیت‌گرایی است اما ایده صرف قابل حمایت نیست. البته باید توجه نمود که در بعضی موارد نقاب ظاهری عدم تشابه وجود دارد و به طور مثال اگرچه گسترش قلمرو تم اصیل یا تغییر غیر ماهوی وجود دارد و ظاهراً مشابهتی نیست اما احتمال نقض قوت می‌گیرد.

در پرونده ای یک نویسنده انگلیسی علیه سازندگان یک سریال هندی به جهت نقض حق خود اقامه دعوی می‌نماید (PTC474Bradford Case, 2004, 28). خواهان در این دعوی مدعی است که حق اقتباس وی نقض شده است. دادگاه در این پرونده تاکید می‌نماید که تجاوز به حق انحصاری با مقایسه و احراز شباهت در جزئیات، حوادث و موقعیت‌ها حاصل می‌گردد و اشعار می‌دارد در این دعوی نقض حقی رخ نداده است چه آنچه نسخه برداری شده است از قابلیت حمایت برخوردار نیست. در این پرونده شخصیت‌ها و تم استفاده شده بسیار معمولی است، ایده ازدواج دختر ثروتمند و پسر فقیر سوژه بسیاری از فیلم‌ها و رمان‌هاست و این امر از حمایت برخوردار نمی‌باشد.

همانطور که پیش‌تر نیز اشاره گردید در هندوستان همواره این احتمال وجود دارد که دعوی نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری به جهت تعدی به حق اقتباس مطرح شود چه بسیاری از فیلمنامه‌نویسان هندی براساس فیلم‌های هالیوودی به نگارش می‌پردازند. با وجود این باید دانست که اگر اقتباس از تم فیلم هالیوودی گسترده نباشد و اقتباسی جزئی از تم صورت گرفته باشد امید به پیروزی در دعوی وجود دارد. به طور مثال خط داستانی فیلم کمدی بیجا فرای "Bheja Fry" اقتباسی از فیلم معروف کمدی فرانسوی دینر گیم "The Dinner Game" در قالب سکانس به سکانس، دیالوگ به دیالوگ بود، هر دو داستان در خصوص مردی عجیب و غریب است که توسط شخصی که قصد تمسخر وی را دارد به شام دعوت می‌شود. در این باره باید اضافه نمود که شخصیت‌ها و حوادث در اثر فرانسوی کلیشه سینمایی نبودند و تغییرات بسیار جزئی نسخه هندی نمی‌تواند مسئله اقتباس را منتفی نماید.<sup>۱۵</sup>

---

See Masand, R., "Masand's Verdict: Bheja Fry", CNN-IBN, Apr 13, 2007 at <<http://ibnlive.in.com/news/masands-verdictbheja-fry/38491-8.html>> (accessed September 12, 2009).  
See Ramani, "What After Bheja Fry? Bheja Fry 2 & 3, Of Course", Rediff, May 22, 2008 at <<http://www.rediff.com/movies/2008/may/22sagar.htm>> (accessed September 12, 2009).

نمایش پر سر و صدای صحنه‌های خنده دار دقیقاً در فیلم هندی تکرار می‌شود و سرانجام می‌توان گفت نسخه هندی همان اثر فرانسوی است که گویا دوباره فیلمبرداری شده است.

در پرونده آناند، دادرس بر این امر تاکید می‌نماید که آیا در منظر یک خواننده یا تماشاگر، اثر دوم نسخه تکثیر شده اثر اصلی است؟ البته باید توجه نمود که جنبه‌های اثر سینمایی ناگزیر متمایز از متن مکتوب است چه بسیاری از صحنه‌های فیلم حاصل ادیت یا مونتاژ است، به طور مثال به فیلم بنجامین باتن توجه نمایید، سر هنرپیشه اصلی ناشی از تغییرات دیجیتال است که روی سر یک کودک قرار می‌گیرد، این شکل از تغییر حاصل کار نوپسندنده نیست و در فیلم سازی شکل گرفته است (Sydell, 2009, p.1).

از سوی دیگر بسیاری از صحنه‌ها به دشواری در نوشته توصیف می‌شود مانند صحنه‌های برخوردی هولناک از تصادف دو اتومبیل، در بسیاری از حوادث به نمایش درآمده در فیلم می‌توان گفت که نشانه‌ی حضور نوپسندنده رمان یا کتاب اولیه در فیلم بسیار کم رنگ یا بی‌رنگ است. در این هنگام این پرسش منطقی است که این عناصر فیلم قابل حمایت است یا خیر؟.

در این خصوص دعوایی از سوی یکی از کارگردانان هندی مطرح می‌شود که مطابق با آن وی مدعی است در فیلمش از تکنیک خاصی "jump cutting" در طراحی رقص‌های فیلم استفاده کرده که خواننده نیز به تقلید از وی چنین تکنیکی را به کار برده است (FSR 394, p. 396, 398 case, Norowzian, 1998). با وجود این، در بعضی از دعاوی دادگاه معتقد است که درجه حمایت از چنین عناصری گسترده نیست، به طور مثال در یکی از پرونده‌های مطروحه هندی دادگاه بمبئی اشعار می‌دارد که صرف نسخه برداری فیزیکی توسط دستگاه‌های مکانیکی و شباهت‌های دو فیلم، نقض حق تلقی نمی‌شود (Star Case, 2003, 27 PTC 81, para 5). دیدگاه‌های تک بعدی از نقض کپی رایت در هند مخالفانی دارد که به موجب آن، تجاوز دارای اشکال متفاوت است و فقط به

یک نسخه برداری کاربنی "carbon copy" محدود نمی شود. پرونده اخیر نوروزین در دادگاه انگلیس نیز مطرح شد و در آنجا نیز نتوانست به توفیق دست یابد چه یک تکنیک ویرایش اثر از حمایت برخوردار نیست (Norowzian Case, 1999, FSR 79, p. 87). علی‌رغم آنکه بدیهی است شخصیت‌ها و حوادث خلق شده توسط تکنیک‌های فوق در فیلم بنجامین باتن قابل حمایت است.

در دعوی جنجالی و پر حاشیه‌ای در ایران، نویسنده‌ای (ش.ط) علیه یکی از کارگردانان مشهور (ف.س) به جهت نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری اثر خود اقامه دعوی می‌نماید،<sup>۱۷</sup> در این پرونده، شاکی در سال ۱۳۸۰ کتابی را در دو مجلد در قالب فیلمنامه در خصوص زندگی حضرت یوسف (ع) با نام "یوسف صدیق" تالیف می‌نماید اما مشتکی عنه چند سال بعد با نگارش فیلمنامه‌ای، سریال تلویزیونی را با عنوان "یوسف پیامبر" در ۴۵ قسمت ساخته و این سریال در سالهای ۸۸ و ۸۷ از شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود، در این دعوی شاکی با استناد به ارائه کتاب خود به سازمان صدا و سیما در چند سال پیش از ساخت سریال، بر دسترسی اثر خود توسط مشتکی عنه تأکید می‌ورزد، به عبارت دیگر شاکی مدعی است که سریال، اقتباسی غیر مجاز از اثر ادبی وی است، کارشناسان این پرونده در اظهار نظر کارشناسی خود اشعار می‌دارند که اهداف زیباشناختی دو اثر یکسان است و هر دو اثر از سیستم مشترکی از نشانه‌ها و تعبیرات بهره‌مند می‌باشند و سرانجام قرار مجرمیت مبنی بر سرقت هنری و نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری صادر گشت و این نسخه برداری در حدود بیست درصد برآورد می‌گردد. در این پرونده، اگرچه دو اثر به استناد نظریه کارشناسی از اهداف زیباشناختی یکسانی برخوردار هستند اما ارائه اثر در قالب فیلم به هويت مستقل

---

*Shah v Venkatesh* (Civil Suit 219/2009, Calcutta High Court, September 1 2009, unreported). For a note on this case, see A Banerjee, 'Film Copyright Infringement: Bypassing the 'Carbon Copy' Handicap', (2010) 5 Journal of Intellectual Property Law & Practice 17.

<sup>۱۷</sup> دعوی نویسنده کتاب "یوسف صدیق" علیه نویسنده و کارگردان سریال تلویزیونی "یوسف پیامبر"، دادنامه ۸۷۰۹۹۸۲۱۴۲۲۰۰۲۴۳، دادنامه ۸۸/۱۲/۲۵.

اثر دوم کمک می نماید، از سویی کمیت استفاده از اثر نخست به میزانی نیست که بر بهره برداری از اثر نخست موثر باشد و مولف اول می تواند اثر خود را به عنوان اثری اصیل مورد بهره برداری مالی قرار دهد، با وجود این ساخت سریالی عظیم از موضوع زندگی حضرت یوسف، عملاً می تواند امکان ساخت سریال یا فیلم دیگری را براساس کتاب یوسف صدیق در هاله ای از ابهام قرار دهد، از سویی عدم ارجاع به کتاب مذکور، زمینه لطمه غیرمعقول به مولف را فراهم می آورد و شاید پرداخت مابه از می تواند در چنین پرونده هایی در جهت ایجاد موازنه عمل نماید، این نکته نیز قابل اشاره است که موضوع و مضمون هر دو اثر براساس داستانی است که از قدمت تاریخی (و قرآنی) برخوردار بوده و هر مولف می تواند روایت خود را از موضوع بیان نماید.<sup>۱۸</sup>

سرانجام، رأی دادگاه در پرونده مطروحه در تاریخ ۶ اسفند ماه سال ۹۰ به شرح زیر صادر شده و در رأی صادره بیان می گردد: در خصوص اتهام آقای ف.س، دادگاه با جمع بندی کلیه موارد اعلامی شاکی چون بررسی موضوع یک امر فنی بوده و دادگاه نیز در راستای مواد ۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری و وحدت ملاک مواد ۲۵۷ و ۲۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی موضوع را به خبره و کارشناس ارجاع و نظر فنی و تخصصی آنان اخذ گردید که با توضیحات، مغایرتی با اوضاع و احوال مسلم و محقق پرونده نداشته به جهت فقدان ادله اثباتی، دادگاه بزهی را احراز ننموده و به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی و جمهوری اسلامی ایران و بند الف ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری حکم به برائت متهم از اتهام انتسابی صادر و اعلام می دارد. این رأی، از مصادیق نادری است که سرانجام با تبرئه متهم همراه شد و دادرسی بدون ارجاع به مستندات فنی، رأی بر بی گناهی آقای ف.ج صادر می نماید.

#### ۴-۴- دفاعیات متداول فیلم سازان آثار اقتباسی

<sup>۱۸</sup> در پرونده دیگری (۹۰/۱۲/۱۰ مورخ ۹۰۰۱۰۱/۱۲-مورخ ۹۰/۱۲/۱۰) نویسنده فیلمنامه "بومرنگ" مدعی است که طرح سریالی را با عنوان مذکور به یکی از شبکه های تلویزیونی ارائه نموده است و با مخالفت مسئولان جهت ساخت روبرو می شود اما پس از چند سال آن طرح با نام "دلنوازان" به عنوان سریال شبانه پخش می گردد. در این پرونده طرح و ساختار و ماجراهای عاطفی هر دو داستان یکسان می باشد اما صحنه ها، شخصیت ها و دیالوگ های سریال اخیر مطابق با طرح شاکی نمی باشد. از این رو می توان نتیجه گرفت اگر شباهت دو اثر تنها از حیث ایده باشد، ایده قابل حمایت نیست.

#### ۱-۴-۴ استفاده منصفانه

دکترین استفاده منصفانه (Fair use)، حقوق انحصاری مقرر در ماده ۱۰۶ قانون کپی رایت آمریکا ۱۹۷۶ را محدود می‌کند و مواردی مشتمل بر نسخه برداری، به منظوری مانند نقد، اظهار نظر، گزارش خبری، تدریس، آموزش و پژوهش را مجاز می‌نماید، اما این استفاده منصفانه چهار معیار را در احراز منصفانه بودن دارد<sup>۱۹</sup> که عبارتند از:

الف- هدف و ویژگی استفاده.

ب- ماهیت اثر دارای مالکیت ادبی و هنری.

ج- میزان و ماهیت بخش استفاده شده در برابر کل اثر.

د- نتایج استفاده بر بازار بالقوه اثر یا ارزش اثر دارای مالکیت ادبی و هنری.

این دکترین می‌تواند به فیلم سازان آثار سینمایی اقتباسی کمک نماید تا استفاده بدون اجازه از اثر دیگری را موجه نمایند. بنابراین، در چنین شرایطی بررسی اثر جدید که حاصل آفرینش فیلم ساز اقتباسی است از اهمیت برخوردار می‌باشد، در این واکاوی از اثر فیلم ساز اقتباسی، تلاش می‌شود تا عناصری را که از اثر سابق وام گرفته شده، مشخص گردد و این پرسش مطرح است که آیا اثر جدید چیزی بر اثر قبلی افزوده؟ آیا در اثر جدید، بیان، معانی و مفهوم تغییر کرده است؟ به عبارت دیگر آیا (و به چه میزان) اثر جدید، انتقال دهنده اثر قبلی است؟ در این شرایط فیلمساز می‌تواند موفق می‌گردد که اثبات نماید اثر اقتباسی، تغییری اساسی در اثر اصلی ایجاد کرده و پیام آور معانی و مفاهیم شخصی خویش است.

<sup>۱۹</sup> در کانادا نیز نسخه مشابه نظریه آمریکایی وجود دارد (ماده ۲۹ قانون حقوق مالکیت ادبی و هنری مصوب ۱۹۹۷) ولی موارد آن به سه گروه نقد یا بازنگری، مطالعه و تحقیق شخصی و اطلاع رسانی خبری محدود می‌شود، اگرچه چند سالی است که استفاده‌های آموزشی و استفاده از اثر در هجویات و هزل نویسی نیز بر آن افزوده شده است. از سوی دیگر، در کانادا معیارهای چهارگانه فوق برای احراز استفاده منصفانه وجود ندارد و لذا دادگاه‌ها استنباط خود از استفاده منصفانه را اعمال می‌نمایند. برای مطالعه بیشتر به مقاله ذیل رجوع نمایید:

Gendreau, Ysolde, Canada and Tree-Steps Test: A Step in wich Direction?, *Marquette I.P Law Rewive*, Vol. 15, No. 2, 2011, pp. 309-323.

پاسخ پرسش‌های فوق به عناصر دیگر نیز بستگی دارد. به طور مثال اگر کل اثر دیگری نیز در اثر جدیدی نسخه برداری شود اما اثر دوم کاملاً جدید باشد، این نسخه برداری منصفانه است؛ اکنون در ایالات متحده آزمون استفاده دگگون شونده (Transformative Use) که در بالا اشاره شد به گستردگی مورد استناد قرار می‌گیرد و در آن هدف پدیدآورنده اثر اصلی از خلق و هدف خواننده از استفاده از اثر اصلی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و اگر این دو هدف متغیر باشد، امتیازی به سود خواننده شکل می‌گیرد.<sup>۲۲</sup> لذا در بررسی عنصر نخست استفاده منصفانه، عبور از آزمون استفاده دگگون شونده ضروری است. گستردگی اعمال این آزمون به میزانی است که به نظر برخی نویسندگان حقوقی این آزمون از سال ۲۰۰۵-۲۰۰۰ در ۷۸٪ و از سال ۲۰۱۰-۲۰۰۶ در حدود ۹۶٪ از دعاوی مرتبط با نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری به کار گرفته شده و اگر خواننده ای به این امر استناد نموده که هدف استفاده او متفاوت از اثر اصلی است، احتمال موفقیت وی در دعوی بسیار بالاست.<sup>۲۳</sup> در بررسی عنصر دوم استفاده منصفانه، هر چه اثر خلاقیت بیشتری داشته باشد، حمایت از آن بیشتر است چنانچه یک فیلم سینمایی خلاقانه بیش از مقالات خبری حمایت می‌شود.<sup>۲۴</sup> همچنین کمیت و کیفیت استفاده نیز مورد واکاوی قرار می‌گیرد. آنچه که در این بخش بیش از کمیت، مهم ارزیابی می‌شود، ارزش مقداری

---

<sup>۲۱</sup>Middleton, Kent R, U.S Copyright Issues in Digital Publishing, Chapter 4, in "Copyright and Consequences" Becker, Lee b & Valad Tudor, Hampton Press, 2003, pp. 57-58.

<sup>۲۲</sup> صاحبان حق مالکیت ادبی و هنری رمان و فیلم هری پاتر علیه ناشری اقامه دعوی می‌نمایند، ناشر مذکور فرهنگ لغتی را منتشر نموده بود که در آن ۲۴۰۰ شخصیت تخیلی را معرفی می‌کرد، در این دعوی، دادگاه پذیرفت که هدف استفاده خواننده کاملاً متفاوت از کتاب و فیلم هری پاتر است چه فرهنگ نامه برای اطلاع رسانی ایجاد شده است و اگر چه خواننده نقد یا نظری درباره اثر را بر آن اضافه نکرده و بخش قابل توجهی از اثر را در مجموعه خود آورده ولی استفاده از خصیصه کاملاً متفاوتی با اثر اصلی برخوردار است اما خواننده با وجود پیروزی در این بخش دعوی، متجاوز به حق تلفی شد چه میزان نقل از رمان هری پاتر بسیار قابل تامل ارزیابی گشت. برای مطالعه بیشتر مراجعه نمایید:

*Warner Brothers & etc v.RDR*, 575F.Supp.2d 513(S.D.N.Y.2008).

<sup>۲۳</sup>Nolan, Jason M, The Role of Transformative Use: *Revisiting* the Fourth Circuit's Fair Use Opinions in *Bouchat v. Baltimore Ravens*, *Virginia Journal of Law & Technology*, Vol.16, No.04,2011, pp. 569-572.

<sup>۲۴</sup>Netanel, N.W, Making Sense of Fair Use, *Lewis & Clark Law Review*, Vol.15, No.3, 2011, p. pp. 716-771. It is available on: <<http://ssrn.com/abstract=1874778>>.2012/2/5.

<sup>۲۵</sup>*New York Times Co v. Roxbury Data Interface, Inc*,434 F.Supp.217(1977).

است که نسخه برداری شده است. لذا ممکن است اگر چه بخش کوتاهی نقل می شود اما آن قسمت، قلب اثر باشد<sup>۵</sup> و استفاده را غیر منصفانه گرداند.

در مطالعه عنصر سوم، تاثیر اثر اقتباسی بر بازار آتی اثر اصلی قابل بررسی است، به عبارت دیگر، این پرسش مطرح است که نتایج استفاده غیرمجاز بر بازار چیست؟ در اینجا بازارهای بالقوه نیز بررسی می شوند زیرا که ممکن است بازارهای بالقوه هم در آینده مورد نظر صاحب حق قرار گیرند. این دیدگاه در میان دانشمندان امریکایی مطرح است که آیا اثر سینمایی اقتباسی می تواند بازار اثر اصلی را دستخوش تغییر یا رکود نماید چه اگر این تاثیر منفی باشد استفاده از اثر اصلی منصفانه نیست (McJohn, 2012, pp. 31-34)

علازمه نکات معروضه باید اشاره نمود هنگامیکه بازار آماده ای یا ابزاری برای پرداخت مابه ازاء استفاده وجود ندارد، یک استفاده غیرمجاز، کمتر منصفانه تلقی می شود اما اگر بازار آماده ای یا ابزاری برای پرداخت مابه ازاء استفاده وجود داشته باشد، یک استفاده غیرمجاز، بیشتر منصفانه تلقی می شود. بنابراین وجود ابزار پرداختی به پدیدآورنده اثر اصلی می تواند همه چیز را برای فیلم ساز اقتباسی مساعد نماید.

اما از طرف دیگر، استفاده منصفانه خالی از چالش نیست و یکی از مشکلات اصلی آن، عدم معین بودن است. لذا فیلم سازان اقتباسی باید با واهمه به دنبال بهره مندی از آن باشند چه هر لحظه امکان دارد که در دام استفاده غیرمنصفانه قرار گیرند و با مجازاتهای سنگین حقوقی و کیفری روبرو شوند و این دادرسان هستند که سرانجام تصمیم مقتضی را اتخاذ خواهند کرد. از این رو یک فیلم ساز اقتباسی راغب تر است که با اخذ یک مجوز، با فراغ بال در مسیر استفاده گام نهد. همچنین، این دکتترین بیشتر در محیط فیزیکی قابل اعمال است و پذیرش آن در محیط های دیجیتال در هاله ای از ابهام قرار دارد، چنانچه در یکی از دعاوی<sup>۶</sup> خواهان که یک شرکت فیلم سازی بود از تدابیر فنی جهت جلوگیری از

<sup>۵</sup>Id.

<sup>۶</sup>*Universal City Studios, Inc. v. Corley*, 273 F.3d 429, 435-37 (2d Cir. 2001).

نسخه برداری استفاده کرد، در این بین، فردی با تهیه یک برنامه توانست بر این تدابیر فنی فائق آید اما مشکل در جایی مطرح شد که یک سایت این برنامه را روی خروجی خود قرار داد و افراد از طریق آن می توانستند نسخه برداری نمایند. در این پرونده، اشخاصی که با اتکا بر این فناوری توانسته بودند نسخه برداری نمایند تحت تعقیب قرار گرفتند اما خواندگان در دفاعیات خود اشعار داشتند که آنها در چارچوب استفاده منصفانه اقدام کرده اند و تنها هدف از نسخه برداری، استفاده از اثر بر روی لینوکس<sup>۲۷</sup> می باشد. اما دادگاه به نفع خواننده رای نداد و به وجود استفاده منصفانه در قانون جدید معتقد نبود و حتی دادگاه تجدیدنظر تاکید نمود که ماهیت فناوری دیجیتال به گونه ای است که به نسخه برداری انبوه و توزیع منجر می شود و لذا مولفان می توانند با اقدام پیشدستانه از آن جلوگیری می کنند چه این حوزه در قلمرو بهره برداری عادی قرار دارد. با وجود این، در آینده چند لایحه<sup>۲۸</sup> جهت تعدیل قلمرو حق انحصاری برای تصویب در کنگره تهیه شد اما با استقبال نمایندگان روبرو نگردید.

## ۲-۴-۴-آزمون سه گام

بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون برن بیان می دارد: برای قانونگذاران کشورهای عضو اتحادیه اختیار اعطای اجازه تکثیر این آثار در موارد خاص [و] مشخص محفوظ است، مشروط بر این که چنین تکثیری با بهره برداری عادی از اثر در تعارض نباشد و به منافع قانونی پدیدآورنده زیان غیرمعقولی (ناموجه) وارد نسازد. همچنین ماده ۱۳ موافقت نامه تریپس تصریح می نماید: اعضا باید محدودیتها و استثنائات وارد بر حقوق انحصاری را در موارد مشخص و خاص که با بهره برداری از اثر در تضاد نیست و لطمه غیر

<sup>۲۷</sup>. لینوکس یک سیستم عامل آزاد و متن باز است که تحت مجوز GNU/GPL منتشر شده است. متن باز به این معنی است که هر شخصی آزاد بوده تا از آن استفاده کند، آن را تغییر دهد و حتی می تواند آن را دوباره توزیع کند. لینوکس در سال ۱۹۹۱ در دانشگاه هلسینکی فنلاند توسط یک دانشجوی جوان به نام لینوس تروالدز نوشته شد.

<sup>۲۸</sup>The Digital Media Consumers' Rights Act of 2005, H.R. 1201, 109th Cong. (1st Sess. 2005) & the Freedom and Innovation Revitalizing U.S. Entrepreneurship Act of 2007, H.R. 1201, 110th Cong. § 2(a) (1st Sess. 2007).



معقولی به منافع قانونی ذی حق نمی‌رساند، اعمال کنند. به عبارت دیگر، یک استثناء باید خاص و مشخص باشد یعنی از سویی کاربرد یا هدف محدود و ویژه‌ای را تعقیب نماید و از سویی شناخته شده باشد. مقرر نمودن یک استثناء نباید به رقابت (از نظر اقتصادی) با مولف بپردازد، لذا هر استفاده‌ای از اثر که در قلمرو حق انحصاری قرار بگیرد و متضمن سود تجاری باشد، با بهره‌برداری عادی در تعارض است (WTO Panel, pp. 48, paragraph 6.182) به عبارت دیگر این ضروری است که از منابع درآمدی بالقوه و بالفعل مولفان در برابر استثنائات حمایت شود و سرانجام آنکه استثناء باید حقوق مادی و معنوی مولف / صاحب حق زیان اساسی و مهمی را وارد ننماید.<sup>۲۹</sup>

در خصوص آثار سینمایی اقتباسی می‌توان گفت، فیلم ساز اقتباسی باید تلاش کند اثبات شود فیلم وی موجبات عدم تماشا یا عدم خرید فیلم یا اثر ادبی و هنری اصلی را فراهم نیاورده و همچنین اگر از اثر دیگری به نوعی استفاده می‌شود، در فیلم اقتباسی به نام اثر اصلی و پدیدآورنده تصریح شود. همچنین اشاره به عبارت «برداشتی آزاد از...» می‌تواند توجیه‌کننده تعدیل قلمرو حق حرمت اثر باشد. با وجود این، پیش‌بینی سازوکار پرداختی از سوی چنین فیلم‌سازانی به یک سازمان مدیریت جمعی یا موسسه مردم‌نهاد حافظ حقوق مالکیت ادبی و هنری یا حتی وزارت فرهنگ یک کشور (جهت پرداخت به صاحبان آثار اصلی) می‌تواند استفاده را معقول نماید.

## نتیجه

آثار سینمایی اقتباسی به عنوان یکی از انواع آثار سینمایی پرمخاطب از اهمیت گسترده‌ای برای تامین نیازهای فرهنگی و هنری جامعه برخوردار هستند لذا پیش‌بینی ساز و کارهایی برای بهره

<sup>۲۹</sup> برای مطالعه بیشتر در خصوص تفاسیر حاکم بر آزمون سه گام مراجعه نمایید به :

الف- شاکری، زهرا، تعدیل قلمرو حقوق مالکیت ادبی و هنری در نظام حقوقی کنونی، مجموعه مقالات همایش مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دی ۱۳۸۹، صص ۱۹۷-۱۶۵.

ب- شاکری، زهرا، رساله دکتری با عنوان "محدودیتها و استثنائات وارد بر حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط"، به راهنمایی دکتر سعید حبیب، دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۹۱.

برداری از آثار ادبی و هنری دیگر در راستای تولید آثاری فاخر و ارزشمند ضروری است. نظام حقوقی کپی‌رایت مبتنی بر انحصار است و حق اقتباس و نسخه برداری در دستان مولف خواهد بود، از این رو، اخذ رضایت از وی برای استفاده از اثرش بدیهی‌ترین روش تلقی می‌شود اما در صورت عدم موافقت مولف یا عدم دسترسی به وی (و یا هر دلیل دیگری)، فیلم‌سازی که قصد استفاده از اثر را دارد در پی جستجوی ابزارهای حقوقی برای توجیه استفاده خود است، اکنون استفاده منصفانه و آزمون سه‌گام می‌تواند موازنه‌ای را میان فیلم‌ساز اقتباسی و مولف اصلی فراهم نماید. با این حال، استدلال‌هایی که به سود استقلال اثر اقتباسی صورت می‌گیرد و تحولی که در ارائه آزمون دگرگون‌شونده تحقق یافته می‌تواند این نتیجه را حاصل نماید که برخی از آثار سینمایی اقتباسی از هویت و اصالت مستقلی برخوردار بوده و به عنوان اثری اصیل از حمایت بهره‌مند می‌گردد. اما علی‌رغم چنین دگراندیشی از آنجا که نظام حقوقی هنوز انحصار طلبانه باقی مانده است به جوش‌های اساسی جهت اصلاح حقوق مالکیت ادبی و هنری نیاز دارد. لذا پیش‌بینی یک استثناء به نفع فیلم‌سازی اقتباسی می‌تواند مبنایی قانونی را برای تجویز این استفاده فراهم آورد.

## منابع

- ۱- زرکلام، ستار (۱۳۸۸)، **حقوق مالکیت ادبی و هنری**، تهران: چاپ دوم، انتشارات سمت.
- ۲- قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸.
- 3- The Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works, 1886.
- 4- Anand Case, 1979, 1 SCR 218, 248-9
- 5- Autospin v. Beehive [1995] RPC 683, 697 (Laddie J).
- 6- Barbo, Douglas Y (1998), **Aesthetic Ambition Versus Commercial Appeal: Adapting Novels to Film and the Copyright Law**, Thomas Law Review, pp.290-310.
- 7- Beal v. Paramount Pictures (1994) 20 F.3d 454 at 56 (US Court of Appeals, 11th Cir.)
- 8- Bluestone, George, “Novels **into Film**” (Berkeley: University of California Press, 1968) at viii.
- 9- Christoffer v Poseidon of Appeal - Chancery Division, October 06, 1999, [1999] EWHC 262 (Ch.), [2000] ECDR 48 Film Distributors Ltd, Court France Animation, s.a.c. Robinson 2011 QCCA 1362 at 80.
- 10- Harman v. Osborne [1967] 1 WLR 723 at 728 (Goff J).
- 11- Elliott, Kamilla, **Rethinking the Film Novel Debate**, Cambridge: Cambridge University Press, 2003.
- 12- Masand, R, “**Masand's Verdict: Bheja Fry**”, CNN-IBN, Apr 13, 2007 at <http://ibnlive.in.com/news/masands-verdictbheja-fry/38491-8.html> (accessed September 12, 2009).

- 13- McFarlane, Brian, **Novel into Film: An Introduction to the Theory of Adaptation** (Clarendon Press: Oxford, 1996) at 195.
- 14- McJohn, Stephen M. 2012, **Fair Use: The Case of the Missing Case.**
- 15- Legal Studies Research Paper Series, Research Paper 12-02, SUFFOLK UNIVERSITY LAW SCHOOL, pp.31-34. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1980329>
- 16- Nichols v. Universal Pictures Corp 45 F.2d 119 (2d Cir. 1930) at 122.
- 17- Nimmer, Melville B, “**Inroads on Copyright Protection**” (1950-1951) 64 Harv. L. Rev. 1125 at 1130- 1.
- 18- Norowzian v. Arks, 1998, FSR 394, p. 396, 398.
- 19- Norowzian v. Arks (No. 2) 1999, FSR 79, p. 87.
- 20- Star v Leo Burnett, 2003, 27 PTC 81, para 5.
- 21- Sydell, L, “**Building the Curious Faces of ‘Benjamin Button’**”, National Public Radio, February 16, 2009 at <<http://www.npr.org/templates/story/story.php?storyId=100668766>>(accessed September 12, 2009).
- 22- WT/DS160/R, Report of panel, WTO, 2000.

**Literary and Artistic Property Laws In the Cinematic Adaptation  
Works**

**Zahra Shakeri Dr.**

Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science University of  
Tehran, Tehran, Iran.

## Abstract

Adaptation Cinematographic is one of the favorite films for filmmakers and audiences. So many movies have inspired from literary and artistic works. Nevertheless, adaptation and copying is considered authors and artists exclusive rights. This paper is the analytical - descriptive study of legal challenges arising from the exploitation of literary works to adaptation and finally is concluded adaptation cinematographic can be an original work and adoption is permitted in the framework of doctrines such as fair use, three-step test, and etc.

**Keywords:** Adapted cinematic works, Copyright, Adoption rights, Monopoly, Infringement